ایران ورزشی

روزنامه ورزشی صبح ایران ● صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی ● مدیرمسئول: محمدحسن روزی طلب ● جانشین مدیر مسئول و سردبیر: علی جوادی ● تلفن: ۱۴ ـ ۸۸۵۰۴۱۱۳ ● نمابر: ۸۴۷۱۱۱۷۳ ● چاپ: ایرانیان ● سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ ● ۸۸۵۰۱۳۰۰ ـ ۸۸۷۴۶۵۸۳ ● انتشارات: ۵ و ۸۸۵۴۸۸۹۲ ● امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰ ـ ۸۸۵۲۱۹۵۴ ● نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ ● صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ ● شماره پیامک کنید: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ ● ما را در شبکه‌های اجتماعی دنبال کنید: @iranvarzeshii

newspaper.inn.ir | inn.ir

2411200-07579-0003

یکشنبه ● ۱ مرداد ۱۴۰۲ ● سال بیست وهفتم ● شماره ۷۳۵۸

برشی از یک کتاب

زندگینامه یوهان کرویف – قسمت ۲

یوهان کرویف فوتبالیست بزرگی بود؛ یکی از تکنیکی‌ترین بازیکنانی که فوتبال اروپا به خود دید. عضوی تأثیرگذار در توتال فوتبال هلند بود و بعدها در دوران مربیگری هم یک مؤلف واقعی بود. او تیم طلایی بارسلونا در دهه ۹۰ را ساخت و حالا این روزها شاگردش پپ گواردیولاست که راه او را در دنیای تاکتیک پیش می‌برد. از دیروز بخش‌هایی از کتاب زندگینامه او با نام «نوبت من» را با هم در این ستون مرور می‌کنیم. امروز قسمتی از فصل چهارم کتاب را می‌خوانیم: در واشنگتن، نگاه اجمالی دیگری به ورزش حرفه‌ای انداختم، چون ورزش در امریکا در بالاترین سطح قرار دارد. شیوه تفکر سطح بالا در خون آنها است. تفاوت بزرگ ورزش بین امریکا و اروپا در این است که در امریکا، ورزش در سیستم مدارس سازماندهی می‌شود و در اروپا، این کار از طریق سیستم باشگاه‌ها انجام می‌شود. در اروپا برای پیشرفت، ابتدا باید توسط یک باشگاه کشف شوید. این در حالی است که در امریکا ورزش آن قدر مهم است که بخشی از برنامه‌های آموزشی به حساب می‌آید. همه به مدرسه می‌روند، پس همه شانس دارند. این تضاد بزرگی با ما در سمت دیگر اقیانوس دارد که ورزش و مدرسه کاملاً از یکدیگر جدا هستند. در اروپا، مدرسه رفتن یک چیز و ورزش چیز دیگری است که اشتباه است. این دو یکسانند؛ فقط در سطح‌های متفاوتی آموزش می‌بینید. در امریکا این کار را بخوبی انجام داده‌اند. در امریکا یک بچه شانس مساوی دارد که دکتر، وکیل یا فوتبالیست شود. مسیرهایی جدا از هم نیستند، بلکه به هم تعلق دارند. در میان امریکایی‌ها، ورزش و تحصیل دو روی سکه‌اند. ما آنها را از هم جدا کرده‌ایم و آنها پیوندشان داده‌اند. به همین دلیل در امریکا، یک انیشتین واقعی ورزش و یک ورزشکار واقعی، انیشتین را درک می‌کند. در اروپا فکر می‌کنند ورزشکاران کودن هستند. البته که این طور نیست. نمی‌توانید ورزشکاری حرفه‌ای شوید مگر اینکه باهوش باشید. غیرممکن است.

جدول سودوکو ۲۶۱

	۱	۵	۶		۷			
	۸			۳			۵	۷
		۳	۱					۶
۱			۳			۵		
		۴		۶		۸		
			۶		۱			۲
۸					۶	۹		
۵	۴			۱			۷	
			۹		۵	۴	۱	

حل جدول ۲۶۰

۹	۲	۷	۶	۱	۸	۴	۵	۳
۴	۱	۶	۳	۹	۵	۷	۸	۲
۳	۵	۸	۴	۲	۷	۶	۹	۱
۸	۹	۱	۵	۴	۲	۳	۷	۶
۷	۶	۴	۹	۳	۱	۸	۲	۵
۲	۳	۵	۷	۸	۶	۹	۱	۴
۵	۴	۹	۱	۷	۳	۲	۶	۸
۱	۷	۲	۸	۶	۴	۵	۳	۹
۶	۸	۳	۲	۵	۹	۱	۴	۷

سوژه روز

قسمت ۱۳

بررسی خریدهای مهم تابستانی اروپا

اشکرینیار؛ یک انتقال جنجالی

رسول مجیدی
روزنامه نگار

فصل نقل و انتقالات به نیمه رسیده و ما سعی می‌کنیم هر روز یکی از خریدهای مهم چند هفته گذشته را بررسی کنیم. از پیش از شروع فصل نقل و انتقالات همه می‌دانستند که میلان اشکرینیار باشگاه اینتر را ترک می‌کند. حتی مقصد هم مشخص بود و او سرانجام در تاریخ ۶ جولای انتقال خودش را به پاری‌سن‌ژرمن قطعی کرد. اشکرینیار به صورت رایگان به باشگاه فرانسوی پیوست و همین حاشیه‌های زیادی برای او در شهر میلان بوجود آورد. باهم این انتقال نسبتاً جنجالی را از سه زاویه بررسی می‌کنیم.

زاویه اینتر

بپه ماروتا در طول سال‌های گذشته اعتبار خوبی در اینتر بدست آورده. او خود را مدیری نشان داده که می‌تواند بازیکنان باکیفیت را به صورت رایگان جذب کند. با آنها مذاکره می‌کند و به محض تمام شدن قراردادشان به سمت‌شان می‌رود. اما حالا خود ماروتا از همین زاویه نیش خورده. او یکی از مدافعان خوب تیمش را مفت و مجانی از دست داد. البته ماجرا دو زاویه متفاوت دارد. اشکرینیار یک جور ماجرای تمدید نکردن قراردادش را تعریف می‌کند و ماروتا طور دیگر. اما مسلم است که به هر حال اینترمیلان باید دوسال پیش وضعیت اشکرینیار را روشن می‌کرد. آنها در آن زمان یا باید با او تمدید می‌کردند یا در لیست فروش قرارش می‌دادند تا مجانی از تیم نرود.

گفته می‌شود هواداران اولترای اینترمیلان هم سر این انتقال دو دسته شده‌اند. عده‌ای تصمیم بازیکن را پذیرفته بودند و باشگاه را به علت تعلل سرزنش می‌کنند و برخی دیگر می‌گویند اشکرینیار در حق تیم‌شان ظلم کرده. البته ظاهراً بعد از صحبتی که آنها به صورت مستقیم با این بازیکن انجام دادند، به او حق دادند که از باشگاه برود.

زاویه پاری‌سن‌ژرمن

یکی از بهترین خریدهایی که در این سال‌ها انجام داده‌اند. بله، نگرانی‌هایی در مورد مصدومیت کمر او وجود خواهد داشت. همان مصدومیتی که باعث شد اشکرینیار ۵ ماه پایانی فصل گذشته را از دست بدهد، اما تیم پزشکی PSG بررسی‌های لازم را انجام داده است و می‌گوید این بازیکن در حال بازگشت به توان ۱۰۰ درصد خود است.

مدعای آنها هم این است که اشکرینیار در چند بازی دوستانه گذشته تیم اسلواکی در ترکیب بوده و مشکلی از بابت کمرش حس نکرده. پیش‌بینی می‌شود میلان به سرعت در خط دفاعی تیم لوییس‌انریکه فیکس شود.

او قابلیت‌های تبدیل به یک مهره کلیدی در عقب زمین را دارد؛ جثه بزرگی دارد، قدرتمند است، با توپ خوب کار می‌کند و می‌تواند خط دفاعی را رهبری کند. مجانی هم به پاریس آمده و کاملاً از هر نظر خریدش توجیه دارد.

زاویه اشکرینیار

تصمیم سختی بود. او در اینتر راحت بود، خوشحال بود. بیرون و خارج از زمین احساس آرامش داشت. شاید کمی برای وفق پیدا کردن با سیستم سه دفاعه مشکل داشت و طول کشید تا به اوج برسد اما بعداً یکی از بهترین و تأثیرگذارترین بازیکنان اینتر شد. به نظر می‌رسد چنین وضعیتی در پاریس هم در انتظارش باشد.

ظاهراً اشکرینیار از دست مدیران اینتر ناراحت بود. او انتظار رفتار دیگری را داشت. پارسال دوست داشت در سن‌سیرو بماند اما مدیران اینتر در پای مذاکرات ضعیف ظاهر شدند. با این همه حالا پول خوبی از پاریس خواهد گرفت و چالش‌های تیم جدید می‌تواند باعث شود تا به قول خودش ۶ ماه سخت اخیر را فراموش کند.

نگاه روز

درباره ریگی؛ مردی که سه بار تیم عوض کرد

خانواده همه چیز است

سینا فراهانی
خبرنگار

شلاق بی‌رحم غیرت بر پیکر تراشیده و خط‌دار زندگی ردی از خود بر جای می‌گذارد که خوب نشدنش بزرگترین دردی است که می‌توان تا ابد به آن افتخار کرد.

توماس شلبی کاراکتر اصلی سریال پیکی بلایندرز که مزین به بازی رشک برانگیز کیلین مورفی شده بود فارغ از تمام ایرادات و نابهنجاری‌های اجتماعی که در خود جای داده بود یک نقطه عطف داشت که او را بسان الماس در گوشه گنجه درخشان می‌کرد:

«خانواده!

بله، خانواده همه چیز است آقای شلبی.»

جوانی با اندام ترک خورده و صورتی که انگار در هر بازی یک ترکش را بر صورت خود نشانده است از کوه‌های همیشه با استعداد و به اصطلاح «پرتلنت» فجرسپاسی بالا آمد و شروع به درخشیدن کرد.

شاید کمتر کسی فکرش را می‌کرد کسی که در بادران ظهور کرد و آن شوت‌های مرگبار را راهی دروازه‌ها می‌کرد روزی آن جوان سر به زیری شود که در فوتبال ما نماد اتفاق تازه‌ای باشد.

«مسعود ریگی» هافبک شیرازی، یاغی تازه فوتبال ایران شاید تعریف جدیدی از یاغی بودن را وارد فوتبال کرده باشد.

فوتبال مثل جنگ است که به قول سایمون کوپر قرار بود علیه دشمن باشد اما این سال‌ها در فوتبال ما به دوئلی تن به تن تبدیل شد که مثلث آتشین استقلال، پرسپولیس و سپاهان سال به سال دارند دم به دم این شعله فروکش ناپذیر می‌دهند.

جدالی که در این سال‌ها بیشتر با نشستن تیر خلاص شیاطین سرخ پایتخت بر پیشانی شیرهای زرد و آبی ایران به پایان رسیده است.

اما قرار گرفتن در مرکز ثقل این سه ضلع همیشه شاکی و پر دعوای مستطیل سبز کاری است کارستان که ریگی به عنوان ششمین فوتبالیست ایرانی آن را به زیباترین شکل ممکن انجام داده است.

وقتی مسعود ریگی جلوی دوربین‌ها در کنار مدیرعامل پرسپولیس قرار گرفت انگار چهره جدیدی از «یاغی» بودن در ذهن هواداران شکل گرفت و انگار کسی نمی‌توانست خرده‌ای به ریگی بگیرد چرا که زحمتکش بودن برای فوتبالیست، همه چیز بودن است.

نه هاشمی‌نسب بودن با آن غش معروف در اولین دربی بعد از پیوستن از پرسپولیس به استقلال و نه عکس‌های باور نکردنی علیرضا نیکبخت واحدی با پیراهن قرمز که بیشتر به فتوشاپ شبیه بود تا واقعیت، همه و همه چیزی دورتر از آن نگاهی بود که مسعود ریگی وارد فوتبال ایران کرده است.

از آن لحظه‌ای که جوهر خودکار روی کاغذ سفید را تیره می‌کند انگار برای او و بازیکنان هم‌تبار او به مثابه تولد در یک خانواده است که باید برای سربلندی پدر و مادر و برادرانش از جانش مایه بگذارد و از این سمت زمین تا داخل هجده قدم را برای لقمه‌ای نان برای آنها جارو کند.

(جارو کردن یک اصطلاح فوتبالی است که برای هافبک‌هایی که در همه جای زمین حضور دارند استفاده می‌شود.)

اگر زیر پست‌های ریگی بعد از پیوستن به پرسپولیس را نگاه کنید کاملاً می‌توانید ببینید که چقدر مهم بودن هوادار می‌تواند از فوتبالیست انسانی بسازد که هواداران که شاخه‌های پربار این خانواده را شکل می‌دهند با قلبی آبی برای فوتبالیستی با لباس قرمز آرزوی موفقیت کنند و این پارادوکس بزرگ است که فوتبال را زیبا کرده است.

مسعود ریگی با وجود اینکه هم بعد از جدایی از استقلال و هم زمانی که در سپاهان بود از پرسپولیس و یحیی پیشنهاد داشت حاضر شد برای اینکه یک لحظه اعضای خانواده‌اش را غمگین نبیند همه چیز را در درون و بیرون خودش بکشد اما آنها زنده بمانند.

نه مشت گره کرده‌ای و نه بوسه بر لوگویی، بلکه نجابت همان حلقه مفقوده‌ای بود که می‌توانست همه این سال‌ها بازیکنانی تربیت کند که هر جایی که هستند فارغ از رنگ‌ها فوتبال کنند ورد پایی از خود به جای بگذارند که تا ابد آن را طلا بگیرند و برای ورود به آن احترام قائل شوند. مهم بودن هواداران که اعضای اصلی یک خانواده را شکل می‌دهند آنقدر در رفتار امثال ریگی‌ها می‌درخشد که شاید سال‌ها بعد کسی یادش نیاید مسعود زمین را جارو می‌کرد و مثل تانکی بود که هر کس می‌خواست وسط زمین را تاچ کند یک گلوله نثارش می‌کرد. سال‌ها بعد چیزی که به یادگار می‌ماند این است که ستاره‌ای که به جرأت جزو ده هافبک دفاعی برتر ده سال اخیر ایران است سه دوره پیاپی از سه تیمی که در جنگ‌های بیرون و درون زمین‌شان خون هم را می‌خورند و گوشت هم را پاره می‌کنند جابه‌جا شد، اما خم به ابروی کسی نیامد. شاید با کری‌های بی‌رحمانه بشود چند سالی پول به جیب زد و محبوب یک عده و منفور عده‌ای دیگر شد اما شما درست فکر کردی آقای ریگی، «زندگی چیزی فراتر از شکستن دل آدم‌هاست.» با همه شباهت‌های خانواده دوستانه مسعود ریگی و تامی شلبی اما کاش خانواده ریگی‌ها برخلاف خانواده پیکی بلایندرها روز به روز بزرگتر شود و کاش روزی برسد که نه تنها زیر تمام پست‌های شبکه‌های اجتماعی به اصطلاح یاغی‌های فوتبال ایران بلکه در تمام زندگی این فوتبالیست‌ها چنین کامنتی را ببینیم: «به عنوان یک استقلالی برات آرزوی موفقیت دارم، هرچی باشه شما یه روزی برای استقلال بازی کردی و زحمت کشیدی.»

استوری روز

حمله لوکاکو به اینتری‌ها

رابطه لوکاکو و باشگاه اینتر حسابی شکرآب به نظر می‌رسد. او دیروز در قالب یک استوری اینستاگرامی بدجوری به مدیران اینتر طعنه زد.

لوکاکو در این استوری نوشت: «وقتی تنفر دیگر چاره‌ساز نیست شروع می‌کنند به دروغگویی.»

بد نیست بدانید اینتر ابتدا مصمم بود که امسال تابستان قرارداد لوکاکو را دائمی کند اما در نهایت پشیمان شد. در ایتالیا گفته می‌شود علت تغییر تصمیم نراتزوری و در واقع آخرین قطره‌ای که کاسه صبر مدیران اینتر را لبریز کرد این بود که آنها متوجه شدند مهاجم بلژیکی در حالی که با آنها مذاکره می‌کرده به صورت موازی در حال گفت‌وگو با یوونتوس هم بوده است.

گفته می‌شود بازیکنان اینتر زمانی که متوجه شده بودند لوکاکو با رقیب سنتی‌شان یوونتوس مذاکره می‌کرده آنقدر از دستش عصبانی هستند که به او پشت می‌کرده و حاضر نبودند حتی یک کلمه با مهاجم بلژیکی صحبت کنند.

ضمناً این نکته را هم در جریان باشید که نشریه کوریره دلو اسپورت دیروز اعلام کرد الهلال سومین پیشنهاد خود را هم برای جذب لوکاکو ارائه کرده بود اما بازیکن بلژیکی باز هم این پیشنهاد را رد کرده است.

مصاحبه روز

پپ: میتوما عالی است

پپ گواردیولا که تیمش در توکیوی ژاپن اردو زده در کنفرانسی در این شهر در پاسخ به سؤالی درباره اینکه آیا بهترین مربی تاریخ است، گفت: «خیر. من بهترین مربی تاریخ نیستم و قصد هم ندارم بهترین مربی تاریخ باشم. من خودم را کامل می‌شناسم. با علامت سؤال‌های زیادی در سرم زندگی می‌کنم.

اگر موفقیتی کسب کردم، به این دلیل بود که در بارسلونا و بایرن‌مونیخ، دو تا از بهترین باشگاه‌های تاریخ بودم و اکنون در حال ساختن چیزی باورنکردنی هستیم که نمی‌توانستیم تصورش را تا زمان رسیدن به آن داشته باشیم.»

گواردیولا همچنین در پاسخ به این سؤالی که بازیکن آسیایی خاصی چشم او را گرفته است یا خیر، افزود: «می‌توانم بگویم کائورو میتوما در لیگ برتر باورنکردنی بوده است. او در تیم مناسبی قرار دارد و ببینید ژاپن در جام جهانی در یک گروه سخت چه کرد. دیروز بازی یوکوهاما را تماشا کردم و چیزهایی را که می‌بینم بسیار دوست دارم. فردا برای ما بسیار سخت خواهد بود، چون یوکوهاما تیم بسیار تهاجمی است. من برای کارهایی که این کشور (ژاپن) طی سالیان متمادی انجام داده است، احترام زیادی قائل هستم، نه فقط الان.»

و در نهایت پاسخ پپ گواردیولا درباره وضعیت کانسلو: «او اینجاست. ژوائو در گذشته برای ما بسیار مهم بوده است.

او به اینجا بازگشته و بخشی از تیم است. خواهیم دید چه اتفاقی می‌افتد.»